

بررسی نقش عوامل سیاسی و امنیتی در سیاست‌گذاری سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی

محمد رضا مجیدی

دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مرتضی حمیدی

دانش‌آموخته دکترای مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

(تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۷ - تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۱۰)

چکیده:

تأسیس و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد که از جمله سازوکارهای مشارکت مردم در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است، بر عرصه‌های گوناگون زندگی جوامع انسانی تأثیر گذارده و می‌گذارد. یکی از این حوزه‌های تأثیرپذیر، منافع امنیت ملی کشورهاست. برای سیاست‌گذاری در حوزه سازمان‌های یادشده، شناخت عوامل متفاوت و از جمله عوامل سیاسی و امنیتی ضروری است. این تحقیق بر آن است تا با شناخت این عوامل، میزان و چگونگی تأثیرگذاری آنها بر ابعاد امنیت ملی کشور را دریابد. حاصل این پژوهش که با روش‌های تحقیق پیمایشی، اسناد و مدارک علمی و مصاحبه عمقی صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد که عوامل یادشده بر سه بعد منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ یعنی ایده دولت، نهادهای دولت، و پایگاه مادی دولت، تأثیر مستقیم دارند. بر این مبنا بیشترین تأثیر این عوامل بر بعد ایده دولت است.

واژگان کلیدی:

امنیت ملی، سازمان مردم‌نهاد، سیاست‌گذاری، عوامل سیاسی و امنیتی، منافع امنیت ملی، منافع ملی

مقدمه

طی سال‌های اخیر موضوع سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ به یکی از مباحث مهم در حوزه امنیت و منافع ملی کشورها تبدیل شده است. این سازمان‌ها در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از نقش رو به افزایشی برخوردار شده‌اند و با توجه به کارکردهای منحصر به فرد خود توانسته‌اند به صورت سلبی و یا ایجابی در حوزه‌های گوناگون و از جمله منافع امنیت ملی کشورها تأثیر بگذارند. در کشور ما اگرچه در برنامه سوم و چهارم توسعه به حمایت از این سازمان‌ها توجه شد (روزنامه رسمی ج.ا.ایران، ۱۳۸۵)، اما الگوی مشخص سیاست‌گذاری برای تأسیس و توسعه این سازمان‌ها در کشور به چشم نمی‌خورد. امروزه در کنار این واقعیت که بسیاری از سمن‌ها، گروه‌هایی در خدمت منافع عمومی هستند، دغدغه دیگری مبنی بر تهدیدزا بودن برخی دیگر برای منافع امنیت ملی مطرح شده است. از این رو یافتن راهکارهای مؤثر برای بهینه‌سازی کارکردهای ایجابی و کاستن از جنبه‌های سلبی سمن‌ها، از جمله دغدغه‌های سیاست‌گذاران است. در این پژوهش تلاش شده است با طرح پرسش «عوامل سیاسی و امنیتی در سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی چه تأثیری دارند؟» ضمن شناسایی عوامل یادشده، چگونگی تأثیر آنها بر ابعاد منافع امنیت ملی مطالعه شود. به این منظور از روش‌های تحقیق پیمایشی، اسناد و مدارک علمی و مصاحبه عمقی استفاده شده است و جامعه آماری تحقیق با نمونه ۵۰ نفری که از طریق فرمول کوکران به دست آمده، شامل استادان، نخبگان و خبرگان علمی حوزه سمن‌ها، کارشناسان و مسئولان ذی‌ربط در دستگاه‌های مربوط بوده است.

الف. مفاهیم و بنیان‌های نظری

در این پژوهش از اصطلاحات و مفاهیم متعددی استفاده شده است که بیشتر جنبه تخصصی دارند. در ادامه ضمن تعریف مفاهیم عمده به کاررفته در پژوهش، بنیان‌های مربوطه تبیین می‌شود.

۱. تعریف سازمان مردم‌نهاد

اصطلاح سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۶۰) دربرگیرنده طیف وسیعی از سازوکارهای غیردولتی با اشکال و انواع متعدد و متفاوتی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۳). در زیر به برخی از تعاریف متداول اشاره می‌شود.

۱. (Non Governmental Organization) در زبان فارسی از معادل‌هایی مانند سازمان غیردولتی و سازمان غیرحکومتی نیز استفاده شده است. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اصطلاح "سازمان مردم‌نهاد" را برگزیده است و کوتاه شده آن، سمن، در برابر NGO به کار می‌رود.

در ایران برای اولین بار به سازوکارهای غیردولتی و غیرانتفاعی با عنوان "شرکت‌های غیرانتفاعی" در «قانون تجارت» توجه شده و در متمم سال ۱۳۳۷ش آن دوباره تعریف گردیده است (حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۷۳، ص ۱۹۵). پس از انقلاب اسلامی در آئین‌نامه فرهنگ عمومی مصوب ۱۴ آبان ۱۳۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان‌های غیردولتی فرهنگی این‌گونه تعریف شد: «مراکز، مؤسسات، انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی عبارت از هرگونه تشکیلاتی است که توسط افراد واجد شرایط برای فعالیت در یک یا چند قلمرو فرهنگی و هنری و سینمایی تأسیس می‌گردد» (<http://www.iranculture.org>). با گسترش روزافزون سازمان‌های غیردولتی در دو دهه اخیر، دولت طی مصوبه سال ۱۳۸۴، آئین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی را ابلاغ نمود که در آن «سازمان غیردولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد» (مجموعه قوانین و مقررات سال، فقه قضائیه، ۱۳۸۴). با اندکی تفاوت، مرکز آمار ایران نیز از تعریف مشابهی استفاده کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، ص ۷). در این پژوهش با توجه به برخی تفاوت‌ها و تشابهات، تعریف آئین‌نامه ۱۳۸۴ هیئت دولت مدنظر قرار گرفته است.

۲. بنیان‌های نظری سازمان‌های مردم‌نهاد

از آنجا که اصطلاح سازمان غیردولتی یا سازمان مردم‌نهاد ترجمه‌ای از اصطلاح لاتین (Non Governmental Organization) بوده و اساساً مفهومی وارداتی است، چارچوب‌های نظری مربوطه نیز در قالب نظریه‌های جامعه‌شناختی غربی ارائه گردیده‌اند. اما از سوی دیگر می‌بینیم که در دیدگاه اسلامی، تعاون، همکاری و مشارکت از جایگاه مهمی برخوردار است و تشکل‌های مردمی با چارچوب‌های نظری دینی نیز قابل تعریف هستند. در ادامه، این دو دیدگاه به‌طور اجمالی از نظر می‌گذرد:

۱.۲. زمینه‌های نظری سمن‌ها در غرب

در متون متفکران غربی پیدایی و تداوم فعالیت سمن‌ها ریشه در تاریخ تحولات مغرب زمین دارد (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۹۳). و همراه با تئوری‌های گوناگون کلاسیک، انسجام اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی، نظریه شبکه و شبکه‌های اجتماعی مطالعه شده است. در یک دسته‌بندی کلی دیگر می‌توان سه رویکرد عمده را برای ایجاد و فعالیت تشکل‌های غیردولتی در نظر

گرفت: رویکرد رفتارگرایی^۱؛ رویکرد نهادگرایی^۲؛ رویکرد جامعه مدنی^۳. از خلال این رویکردها نیز نظریات خردتری به وجود آمده‌اند. در زیر به طور اجمالی این رویکردها را مرور می‌کنیم:

- رویکرد رفتارگرایی. نگرشی است که در چارچوب رفتارگرایی روان‌شناختی به تجزیه و تحلیل نظام‌های اجتماعی می‌پردازد و بر این باور است که هر رفتار از پیامد رفتار قبلی شکل می‌گیرد. نظریه‌های کسانی همچون گوستاو لوبون، نیل اسملسر، جیمز دیویس، رابرت تدگار، کورن هازر، هربرت بلومر (کنش متقابل)، رالف ترنر و لوئیس کیلیان در این چارچوب قابل مطالعه هستند. از این دیدگاه، گوستاو لوبون^۴، واضع نظریه "انبوه خلق"، اجتماع افراد را به چهار نوع: انبوه خلق قراردادی، انبوه خلق اتفاقی، انبوه خلق نمایشی، و انبوه خلق فعال تقسیم می‌کند. به تعریف وی انبوه خلق فعال دارای رهبری بوده و فعالیتش معطوف به هدف است. از این منظر سمن‌ها بخشی از خلق انبوه فعال خوانده می‌شوند (Le Bon, Gustave, 1905, 1105). نیل اسملسر^۵ بر پایه تفکیک کارکردی عناصر سازنده جامعه، بر این باور است که در یک جامعه پیشرفته، تفکیک کارکردی عناصر ساختی به‌طور کامل صورت گرفته است. از این دیدگاه، سمن‌ها بر اثر تفکیک کارکردی عناصر سازنده جامعه مدرن برای روبرو شدن با ویژگی‌ها و نیازهای این جوامع به وجود می‌آیند (اسملسر، ۱۳۸۰، ص ۶۴).
- رویکرد نهادگرایی. در این گونه رویکرد که بیشتر ریشه در نوعی تجزیه و تحلیل اقتصادی دارد، بر نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تعیین وقایع اقتصادی تأکید شده است. امروزه تحول مهمی در این نگرش، یعنی گرایش نهادگرایی از اقتصاد به سوی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، به وجود آمده است (تفضلی، ص ۳۴۱-۳۴۰). از این منظر سمن به عنوان "نهاد"، مؤسسه‌ای است که برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و نظایر آن تشکیل می‌گردد.
- رویکرد جامعه مدنی. در اصطلاح "جامعه مدنی" که پس از قرن نوزدهم برای توصیف جوامع نوین اروپایی و دیگر کشورهای صنعتی به کار می‌رود، احزاب و سمن‌ها از بخش‌های جدایی‌ناپذیر آن هستند (Keane, 1988). نظریات افرادی همچون یورگن هابرماس، آلن تورن، مانوئل کاستلز و آلبرتو ملوچی و دیگران نیز زمینه‌های نظری این قلمرو را تشکیل می‌دهند. از این دیدگاه جامعه مدنی شامل دنیای آزاد فردی

1. Behaviourism approach.
 2. Institutionalism.
 3. Civil Society.
 4. Gustave Le Bon.
 5. Neil J. Smelser.

و علایق و فعالیت‌های گروهی است و وحدت میان این دو مفهوم سرانجام از طریق مؤسسات گوناگون، صورت خواهد گرفت (Friedrich, 1953). بدین‌سان جامعه مدنی حد واسط مردم و دولت در نظر گرفته می‌شود و شامل طیف بزرگی از مشارکت‌های داوطلبانه و اقدامات اجتماعی و مدنی است (زعفرانی و حقانی، ۲۰۰۵، ص ۳۷). در این دیدگاه، ارکان جامعه مدنی را تشکلهای و مجموعه‌ها و انجمن‌هایی تشکیل می‌دهند که به‌طور مستقل و بدون تکیه به دولت تشکیل و اداره می‌شوند (بیتنام و بویل، ۱۳۷۶، ص ۵۵).

در ادبیات سیاسی و اجتماعی که از دهه ۷۰ خورشیدی در ایران توسعه یافت، مفهوم اخیر جامعه مدنی از غرب وارد شد و به مثابه فضای حائل میان دولت و خانواده معرفی گردید (مک لین، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰). بنابراین جامعه مدنی مطرح‌شده در فضای معاصر ایران، حوزه‌ای از روابط اجتماعی، فارغ از دخالت مستقیم دولت، و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی، به‌عنوان عرصه قدرت اجتماعی یاد شده که طبعاً در تقابل با قدرت دولت متصور بوده است (بشیریه، ۱۳۸۲، ص ۵۶۷). از این‌رو بیشتر سمن‌هایی که بین سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ در ایران تأسیس شدند، بر مبانی و پایه‌های نظری یادشده استوار بودند و در نتیجه بنیان‌های نظری آن، یعنی سه اصل فردگرایی^۱، سکولاریزم، و عقلانیت «ابزاری»^۲ را باور داشتند.

۲.۲. زمینه‌های نظری سمن‌ها در دیدگاه اسلامی

با توجه به مبانی نظری جامعه دینی که تفاوتی ماهوی با نظام‌های دمکراسی لیبرال و در نتیجه جامعه مدنی برآمده از آن دارد، بنیان‌های نظری آن نیز متفاوت خواهد بود. اگرچه در مطالعه سمن‌ها در جامعه اسلامی به نظریه‌ای مدون برخورد نمی‌کنیم، اما بنیان‌های اعتقادی و فلسفی متقنی در خصوص فعالیت‌های اجتماعی، جمعی و عام‌المنفعه در جامعه دینی به فراوانی مشاهده می‌شود و متون اسلامی، اعم از کتاب و سنت این‌گونه امور را مورد تأکید قرار داده‌اند. برعکس جامعه سکولار، در جامعه دینی امور اجتماعی به همه افراد اجتماع ارتباط دارد و آحاد جامعه نسبت به یکدیگر مسئول هستند. در قرآن مجید، مشارکت در عرصه‌های اجتماعی (توبه، آیه ۱۸)، تولید علم، ثروت و آبادانی زمین (هود، آیه ۶۱)، برپایی عدالت و اجرای قوانین (حدید، آیه ۲۵)، آموزش و تعلیم و تربیت (بقره، آیه ۱۲۹؛ آل عمران، آیه ۱۶۴) و مانند آنها از جمله موارد گفتنی است. از سوی دیگر چارچوب‌های غیرحکومتی در نهاد دین نیز به وفور یافت می‌شود. تأمین مالی غیرحکومتی در اسلام، یعنی وجوهات شرعی و صدقات، به‌ویژه در نوع «صدقات جاریات»، اوقاف و زمینه تأسیس سازوکارهایی را زیر نظر "نهاد دین" شکل داده که در

1. individualism.
2. rationalism.

جامعه معاصر ایرانی گسترده‌ترین فعالیت‌های غیردولتی در حوزه خیر عمومی را به خود اختصاص داده است.

از دیدگاه نظری، یکی از نظریه‌های پایه در رویکرد دینی که می‌تواند ریشه اقدامات عام‌المنفعه را توضیح دهد، نظریه موسوم به «نظریه فطرت» است. این نظریه که از سوی برخی از علما به‌ویژه آیت‌الله مطهری مطرح شد با استفاده از متون عقلی و نقلی اسلامی، انجام بسیاری از امور خیر شخصی و عمومی را در مسیر فطرت الهی بشر می‌داند. از این دیدگاه، انسان بر پایه فطرتش موجودی است برگزیده از طرف خداوند، نیمه‌ملکوتی و نیمه‌مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویش و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، الهام‌گرفته از خیر و شر، دارای ظرفیت علمی و عملی نامحدود، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار، و در برابر خدای خویش وظیفه‌دار (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۵۲). بر اساس این نظریه، انجام امور عام‌المنفعه و خیر از یک‌سو و همکاری، همیاری و تلاش جمعی از دیگر سو از «امور فطری انسان» هستند. در نتیجه اگر فطرت بشر دستخوش تخریب نشده باشد، فعالیت انسان بر مبنای فطرت به سمت اجتماع و عمل خیر تمایل دارد. تشکیل انجمن‌ها و تشکل‌های خیریه و عام‌المنفعه که در جوامع گوناگون و حتی غیردینی دیده می‌شود، از مظاهر این نیاز فطری است.

با استقرار جمهوری اسلامی ایران که مبانی نظری آن بر اسلام و مشارکت مردمی پی‌ریزی شده و در چارچوب مردم‌سالاری دینی عینیت یافته است، تشکل‌های مردمی و ساختارهای جدیدی چون سمن‌ها، جلوه‌هایی از مشارکت مؤثر مردم در اداره امور جامعه است. امر پسندیده‌ای که از حقوق اساسی مردم نیز به‌شمار می‌آید. «مردم‌سالاری دینی» به عنوان مبنای نظری «جامعه مدنی دینی» معاصر در ایران - که جمهوری اسلامی ایران تبلور آن است - می‌تواند مبنای نظری تأسیس و توسعه سمن‌های ایرانی در نظر گرفته شود. در جامعه مدنی دینی، افرادی که به دیانتی مقدس ایمان آورده‌اند و دین را به عنوان محور رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی خود قرار داده‌اند، در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند و از آنجا که چنین جامعه‌ای دین‌مدار، دین‌باور و دین‌داور است، مبنای نظام حقوقی، زمامداری و تعامل مردم و دولت، در چارچوب دین و راهکارهای دینی تحقق می‌یابد. در چنین جامعه‌ای کنش‌های مردم و حکومت به صورت تعامل سازنده است و با مشارکت فعال، سعی در تحقق آرمان‌ها و حاکمیت اندیشه اسلامی دارند. بدین‌سان سازمان‌های مردم‌نهاد در چنین جامعه‌ای تبلور مشارکت سامانمند و مؤثر مردم در تحقق مسئولیت همگانی در اداره امور جامعه می‌باشد.

۳. بنیان‌های نظری منافع امنیت ملی

مفاهیمی مانند امنیت ملی، منافع ملی و به تبع آن، منافع امنیت ملی^۱ و مشابه آنها، مفاهیمی بزرگ و پیچیده اند و درک این مفاهیم از راه تحلیل اوصاف و ابعاد آن، مفیدتر از تعاریف ساده آن می‌باشد. لذا برای ادراک این عنوان لازم است اصطلاح ترکیبی "منافع امنیت ملی" از خلال تعریف اصطلاحات "منافع ملی" و "امنیت ملی" تبیین گردد (ره‌پیک، ۱۳۸۷، ص ۷۲). از دیدگاه نظری در حوزه امنیت ملی، فعالیت سمن‌ها عموماً از امنیت افراد فراتر می‌رود و در ارتباط با نماد امنیت ملی یعنی دولت قرار می‌گیرد. بدین‌سان دولت از یک‌سو به عنوان سازوکار امنیت‌ساز مطرح است و از سوی دیگر خود نیز "موضوع امنیت" تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد، با توجه به کارکردها و چارچوب‌های فعالیت این سازمان‌ها، بین دولت، منافع امنیت ملی و سمن‌ها، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در این پژوهش چارچوب نظری باری بوزان^۲ به عنوان مبنای نظری در نظر گرفته شده است. به این ترتیب، منظور از اصطلاح ترکیبی «منافع امنیت ملی» آن بخش از منافع ملی است که در امنیت ملی متبلور می‌شود و در اینجا شامل سه بعد "ایده دولت"^۳، "پایگاه مادی دولت"^۴ و "نهادهای دولت"^۵ به معنی سیستم سیاسی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۱، ص ۴۵). منافع امنیت ملی را می‌توان در دو سطح داخلی و خارجی نیز مطالعه کرد.

۱.۳. ایده دولت

این مفهوم مجردترین جزء منافع امنیت ملی است که در عین حال نقش محوری دارد. در مجموع می‌توان موارد چهارگانه ایدئولوژی، باورهای ملی، ساختارهای قومی و نژادی، تاریخ و پیشینه مشترک ملی و یا ترکیبی از همه عناصر پیش‌گفته را منبع شکل‌گیری ایده دولت در نظر گرفت (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳).

۲.۳. نهادهای دولت

این اصطلاح به معنی تمام دستگاه دولت، از جمله سازمان‌ها، مراحل و هنجارهای اجرایی، قانون‌گذاری، اداری یا قضایی است که از طریق آنها فعالیت می‌کند. نهادهای دولت به دلیل داشتن حق مشروع اعمال قدرت، از افراد تحت حاکمیت خود می‌خواهند در قبال تصمیمات آنها مطیع باشند (آلموند، گابریل و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۵).

1. National Security Interest.
2. Barry Buzan.
3. The idea of the state.
4. the physical base of the state.
5. the institutional expression of the state.

۳.۳. پایگاه مادی دولت

این مفهوم به زیرساخت‌های عینی دولت، شامل مردم، سرزمین، ثروت و منابع آن گفته می‌شود (بوزان، همان، ص ۱۱۲).

شکل ۱: مثلث منافع امنیت ملی ج.ا.ایران و سطوح داخلی و خارجی آن



ب. سمن‌ها و منافع امنیت ملی ج.ا.ایران

در نظام دینی، منافع امنیت ملی مترادف با حفظ هیئت حاکمه تلقی نمی‌شود و «امنیت مردم» و «امنیت حاکمیت» در دولت اسلامی دو روی یک سکه‌اند. تأکید بر افزایش اعتماد متقابل میان مردم و دولت از یک‌سو و تقویت احساس مسئولیت عمومی، نوعی مشارکت عمومی و «مسئولیت همگانی» است. سمن‌ها به عنوان چارچوب مشارکت سازمان‌یافته، می‌توانند بر سه رکن اصلی پیش‌گفته منافع امنیت ملی، تأثیر سلبی یا ایجابی بگذارند. از منظر سلبی می‌توانند فرصت‌های موجود را به چالش تهدیدزا مبدل سازند و یا برعکس در تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها دولت را یاری کنند (مصلحتی کوچه‌صفهانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۶۴). در زیر به تأثیرات کلی یادشده در سه بعد منافع امنیت ملی اشاره می‌شود.

۱. سمن‌ها و ایده دولت جمهوری اسلامی ایران

با تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران حول محور «حکومت دینی» و با «مشارکت و اراده مردم»، ایده این دولت در چارچوب «مردم‌سالاری دینی» تبلور یافته است. به‌گونه‌ای که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم: «ویژگی بنیادین این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است» (حجتی اشرفی، ۱۳۷۳، ص ۱).

بدین‌سان سمن‌هایی که محور فعالیت خود را بر پایه پذیرش ارزش‌ها، آرمان‌ها و قوانین ایرانی-اسلامی بنیاد نهاده‌اند، ترویج یا تقویت‌کننده اندیشه‌های مرتبط با مردم‌سالاری دینی، باورها و اعتقادات ملی هستند و در نتیجه تقویت‌کننده بعد ایده دولت قلمداد می‌شوند. در مقابل سمن‌هایی هم بر پایه دیگر اندیشه‌های فلسفی مانند سکولاریسم که با حکومت دینی در تضاد است، تشکیل می‌شوند که اصولاً با ایده دولت جمهوری اسلامی در تقابل‌اند؛ زیرا بر جدایی دین از دولت پای می‌فشارند و به دنبال تبدیل و تغییر قوانین دینی و الهی از راه قانون‌گذاری مبتنی بر تجربه بشری و این جهانی هستند.

با چنین رویکردی، روابط متقابل «دولت با دولت»، «دولت با مردم» و «مردم با مردم» و «مردم با غیر مردم» و «دولت با غیر مردم» در چارچوبی غیردینی تعریف می‌شود که در تضاد با قانون اساسی نیز خواهد بود. سمن‌های مروج سکولاریسم، فمینیسم، ادیان جعلی، عرفان‌های غیردینی و نظایر آن، از جمله مثال‌هایی هستند که با ایده دولت دینی و قانون اساسی در مغایرت بوده، از این بعد، منافع امنیت ملی را تهدید می‌کنند. در سایت یکی از سمن‌های سکولار در مورد نظام مورد علاقه آینده خود می‌خوانیم: «نظام سکولار ایران مستقل از هر نهاد و نفوذ مذهبی خواهد بود و هیچ دین، مذهب، ایدئولوژی یا باور شخصی خاصی را تبلیغ نمی‌کند. جهت حفظ جدایی دین و دولت، قانون اساسی سکولار ایران هرگونه شرکت گروه‌ها و احزاب مذهبی در تمامی نهادهای محلی، منطقه‌ای، استانی و ملی دولت را اکیداً ممنوع می‌کند. این شامل هرکسی که مقام یا رهبری مذهبی دارد، روحانیون و غیره هم می‌شود... افراد درون حکومت می‌توانند ترجیحات مذهبی شخصی داشته باشند اما نمی‌توانند هیچ‌گونه قوانین و مقررات دین‌محور اعمال کنند» (<http://iransecular.org>).

۲. سمن‌ها و نهادهای دولت جمهوری اسلامی ایران

یکی از چالش‌های فراروی دولت‌ها، تهدیدهایی است که در اثر فعالیت برخی از سمن‌ها نسبت به نهادهای دولت رخ می‌دهد. مسئله شناخته‌شده تغییرات در نظام‌های سیاسی بر بستری آرام و بدون خشونت از جمله موارد تأثیر سلبی سمن‌ها بر نهاد دولت است (منصوران، www.communshoura.com).

در دوره‌ای طرح موسوم به «تغییر از درون» برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا مطرح شد. در این طرح حمایت از برخی سمن‌های ایرانی همسو به عنوان بخشی از راهکارها مدنظر قرار گرفت (مایکل لدین، ۲۸ آوریل ۲۰۰۴). از منظر طراحان این پروژه، تأثیر بر ارزش‌های اساسی دولت و جامعه و نیز اثرگذاری در مقبولیت «نهادهای دولت» (مجله جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳) با بهره‌برداری از سمن‌ها، هزینه مقابله با دولت جمهوری

اسلامی ایران را کاهش می‌داد و نظام ایران را قابل کنترل و مجبور به عقب‌نشینی می‌کرد (علمداری، www.communshoura.com).

از این رو عمده‌ترین راه‌های تأثیرات سلبی و یا ایجابی سمن‌ها بر نهادهای دولت را می‌توان در مواردی مثل تأیید و یا تخریب مشروعیت نظام سیاسی، کاهش و یا افزایش اقتدار ملی، تأثیر بر مدیریت خواسته‌های شهروندی، تأثیر در ابزار کنترل قدرت دولت، مشورت و رایزنی، نظارت و تأثیر بر وفاداری سیاسی مردم به نظام و نظایر آن مشاهده نمود. بدیهی است شناخت عوامل فرصت‌آفرین و یا تهدیدزا در این حوزه می‌تواند در سیاست‌گذاری برای بهره‌برداری بهینه و همسو با منافع امنیت ملی کارساز باشد.

۳. سمن‌ها و پایگاه مادی دولت جمهوری اسلامی ایران

تأثیر سمن‌ها بر پایگاه مادی دولت در دو حوزه "مردم" و "سرزمین" قابل بررسی است. از عمده‌ترین تأثیرات سمن‌ها بر این بعد از منافع امنیت ملی را می‌توان در مواردی همچون تأثیر بر انسجام ملی و اجتماعی، هویت ملی، قوم‌گرایی، روابط خارجی و دیپلماسی، قدرت نرم، سرمایه اجتماعی، تصمیم‌سازی راهبردی دولت‌ها، برنامه توسعه و پیشرفت، اجرا و تحقق عدالت اجتماعی، جنگ‌های هوشمند و اطلاعاتی و حتی کارکردهای سیاسی و شبه‌حزبی پاره‌ای از سمن‌ها، ملاحظه نمود.

سمن‌ها می‌توانند حامی یکپارچگی و همبستگی ملی شوند و یا از تجزیه‌طلبی، قومیت‌گرایی و نظایر آن طرف‌داری کنند و تمامیت ارضی را به خطر بیندازند. آنها می‌توانند فرصت مناسبی را برای مداخله خارجی فراهم آورند و منافع امنیت ملی را در سطوح و ابعاد گوناگون با تهدید مواجه سازند و یا برعکس اهداف منافع ملی را در چارچوبی مردمی و غیردولتی به ثمر بنشانند. از این رو در جمهوری اسلامی ایران ترکیب اقوام، زبان‌ها، لهجه‌ها، ادیان و مذاهب گوناگون که از مشخصه‌های پایگاه مادی دولت است، در کنار ایجاد فرصت، ممکن است برای اغراض ضدملی دستاویزهایی را فراهم سازد؛ زیرا بحران‌های واگرایی قومی و تقابل‌های فرهنگی از جمله تهدیدهای پایگاه مادی دولت در نظر گرفته می‌شوند (احمدی و فاضلی، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

ج. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۱. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، ابزار جمع‌آوری اطلاعات پیرامون ادبیات و مبانی نظری از راه مطالعه کتابخانه‌ای و در خصوص بخش میدانی، از طریق مصاحبه عمقی و توزیع پرسش‌نامه صورت گرفت. برای بهره‌برداری از مطالعه میدانی، پس از مشورت با تعدادی از کارشناسان و خبرگان،

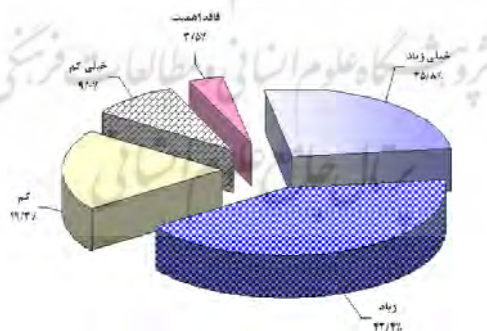
پرسش‌نامه‌ای با ۴۰ سؤال چند جوابی برای شناخت عوامل عمده سیاسی و امنیتی تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی و میزان تأثیر آنها بر منافع امنیت ملی تهیه و از این طریق سنجش انجام شد. سؤالات چند گزینه‌ای، وزن و اهمیت متغیرهای مربوطه و ترتیب قرار گرفتن آنها و ارزش هر کدام را از زبان صاحب‌نظران تعیین کرد. در تکمیل این پرسش‌نامه، علاوه بر توضیحات کتبی، با برگزاری نشست‌های حضوری، توضیحات شفاهی و مصاحبه عمقی بر روی موضوع اصلی پژوهش، اطلاعات لازم جمع‌آوری و پرسش‌نامه تکمیل شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل نتایج پرسش‌نامه‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی و نرم‌افزارهای آماری SPSS و MINITAB استفاده، و برای توصیف بهتر داده‌ها از شاخص مرکزی^۱ میانگین بهره گرفته شد. در بررسی میزان تأثیر عوامل سیاسی و امنیتی بر سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی از آزمون «t» یک‌نمونه‌ای^۳ و آزمون علامت^۴ و برای تعیین اولویت‌ها، آزمون تحلیل واریانس فریدمن^۵ به کار برده شد.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های مقاله

همان‌گونه که نمودار (۱) نشان می‌دهد، در مجموع، بیش از ۶۵ درصد پاسخگویان میزان اهمیت عوامل سیاسی و امنیتی مؤثر بر سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی را در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. به این ترتیب هر گونه سیاست‌گذاری در این حوزه را وابسته به در نظر داشتن عوامل سیاسی و امنیتی دانسته‌اند.

نمودار ۱: نمودار توزیع نظریات پاسخگویان در خصوص میزان اهمیت عوامل سیاسی و امنیتی بر سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی



1. Measures of Center.
2. Mean.
3. One Sample T-Test.
4. Sign Test.
5. Friedman ANOVA.

۱.۲. تأثیر عوامل سیاسی و امنیتی بر سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی

همان‌گونه که بیان شد از دیدگاه پاسخگویان، عوامل سیاسی و امنیتی اثر معنی‌داری بر سیاست‌گذاری سمن‌های ایرانی دارند. بر پایه نتایج به‌دست‌آمده در بین ۴۰ عامل مورد پرسش، بیشترین تأثیر در حوزه بین‌المللی بوده است. پاسخگویان مواردی مانند: «سمن‌ها چارچوب تقویت روحیه ملی و امنیت روانی هستند» و «سمن‌ها می‌توانند حامی استقلال نظام اسلامی ایران باشند»، «سمن‌ها موجب تقویت مبانی اقتدار ملی می‌شوند» و «سمن‌ها می‌توانند موجب اعتماد مردم به نهادهای دولتی شوند» را به عنوان عوامل فرصت‌ساز در سیاست‌گذاری سمن‌ها مدنظر قرار داده‌اند و عوامل «نداشتن حضور مؤثر و ملموس سمن‌های ایرانی در عرصه بین‌المللی»، «ضعف سمن‌ها در بهره‌برداری از سازمان‌های بین‌المللی»، «ضعف سمن‌ها در امکانات لازم برای فعالیت بین‌المللی (زبان، لجستیک و ...)» را از جمله مواردی دانسته‌اند که هنوز از ضعف فراوان رنج می‌برد و در سیاست‌گذاری سمن‌ها باید از جایگاهی شایسته برخوردار شود.

پرسش‌شوندگان همچنین عواملی نظیر «سمن‌ها موجب واگرایی، بی‌ثباتی و اختلاف در حوزه ملی می‌شوند»، «سمن‌ها پوشش برای ترویج تجزیه‌طلبی و بحران هویت ملی هستند»، «سمن‌ها وسیله تشدید واگرایی و اختلافات منطقه‌ای‌اند»، «سمن‌ها ابزار تهاجم عملیات روانی و جنگ رسانه‌ای دشمن‌اند»، «سمن‌ها ظرفیت نفوذ اطلاعاتی و کانون‌سازی دشمن در کشورند»، «سمن‌ها زمینه‌ساز برخی از انواع قومیت‌گرایی می‌شوند» و «تغییر کارکرد سمن‌ها به سازمان‌های غیردولتی سیاسی (احزاب)» را از جمله موارد تهدیدزای فعالیت‌های سمن‌ها دانسته‌اند که لازم است در سیاست‌گذاری‌ها به آن توجه شود. باین‌حال در مقایسه با فعالیت فرصت‌ساز سمن‌ها برای کشور، بر این باور بوده‌اند که این عوامل تأثیر کم‌تری دارند. عوامل «سمن‌ها چارچوب هم‌گرایی سازمان‌یافته با مستضعفان جهان»، «سمن‌ها به عنوان ظرفیت نفوذ اطلاعاتی»، «الگوسازی الهام‌بخش حکومت دینی توسط سمن‌ها» از دیگر موارد فرصت‌ساز قلمداد شده‌اند که به ترتیب تأثیرگذاری نسبی در این زمینه داشته‌اند.

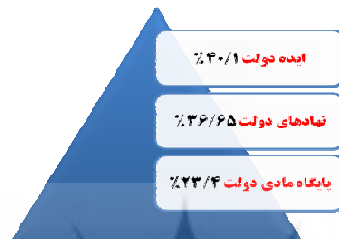
این نتایج نشان می‌دهد که حوزه توجه پرسش‌شوندگان بیشتر بر فرصت دانستن فعالیت‌های سمن‌ها در جمهوری اسلامی ایران متمرکز بوده است. از این منظر اگرچه سمن‌ها می‌توانند به عنوان عوامل تهدیدزا نیز مطرح باشند، اما فرصت‌هایی که در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی برای تأمین منافع سیاسی و امنیتی کشور فراهم می‌سازند، به صورت معنی‌داری افزون‌تر است و در نتیجه لازم است در سیاست‌گذاری برای سمن‌های ایرانی به این موضوع توجه شود.

۲.۲. تأثیر عوامل سیاسی و امنیتی بر ابعاد مختلف منافع امنیت ملی

تحلیل نتایج به دست آمده، موارد زیر را نشان داده است:

الف. در مجموع، ۴۰/۱ درصد از پاسخگویان، اثرگذاری عوامل سیاسی و امنیتی را بر بعد «ایده دولت»، ۳۶/۵ درصد بر بعد «نهادهای دولت»، و ۲۳/۴ درصد بر بعد «پایگاه مادی دولت» ارزیابی نموده‌اند.

نمودار ۲. نمودار میزان تأثیرگذاری عوامل سیاسی و امنیتی بر ابعاد گوناگون منافع امنیت ملی



ب. تأثیر بر ایده دولت. عامل "سمن‌ها مروج ایده دولت اسلامی" با ۵۱/۴ درصد به عنوان عامل قوت‌زا، "سمن‌ها موجب تقویت مبانی اقتدار ملی" با ۴۷/۱ درصد عامل فرصت‌آفرین، "ضعف سمن‌ها در انتقال مبانی هویت ملی و دینی" با ۴۲/۱ درصد به عنوان نقطه ضعف، و "سمن‌ها زمینه‌ساز برخی از انواع قومیت‌گرایی" با ۴۳/۸ درصد به عنوان عامل تهدیدزا، بیشترین تأثیر را بر ایده دولت داشته‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود پرسش‌شوندگان بیشتر بر جنبه ایجابی سمن‌ها و فرصت‌آفرینی سمن‌ها تأکید ورزیده‌اند و در عین حال از جنبه تهدیدی و ضعف سمن‌ها نیز چشم‌پوشی نکرده‌اند.

ج. تأثیر بر نهادهای دولت. عوامل "سمن‌ها تقویت‌کننده وحدت قومی و ملی" با ۳۵/۹ درصد به عنوان نقطه قوت، "ضعف در سازماندهی سمن‌های همسو با منافع ملی" با ۴۵/۲ درصد به عنوان نقطه ضعف، "سمن‌ها به عنوان ظرفیت نفوذ اطلاعاتی" با ۵۷/۱ درصد به عنوان عامل فرصت‌آفرین، و "تغییر کارکرد سمن‌ها به سازمان‌های غیردولتی سیاسی" (احزاب) با ۵۱/۶ درصد به عنوان عامل تهدیدزا، بیشترین تأثیر را بر نهادهای دولت دارند. در این زمینه نیز ظرفیت سمن‌ها برای منافع امنیت ملی، ایجابی دیده شده است، اما بهره‌برداری نکردن از آنها یا بهره‌برداری خارج از کارکرد اصلی، همچنان به عنوان ضعف و تهدید جدی مطرح است.

د. تأثیر بر پایگاه مادی دولت. بیشتر پاسخگویان معتقدند عوامل "سمن‌ها حامی استقلال نظام اسلامی ایران" با ۴۲/۵ درصد به عنوان نقطه قوت، "عدم حضور مؤثر و ملموس سمن‌های

ایرانی در عرصه بین‌المللی" با ۴۵/۷ درصد به عنوان نقطه ضعف، "فعالیت و حضور مؤثر سمن‌های ایرانی در سازوکارهای بین‌المللی با ۴۵/۵ درصد به عنوان فرصت و سرانجام "سمن‌ها پوشش برای ترویج تجزیه‌طلبی و بحران هویت ملی" با ۵۰/۰ درصد به عنوان تهدید، بیشترین تأثیر را بر بعد «پایگاه مادی دولت» داشته‌اند.

نتیجه

به نظر می‌رسد برای تحلیل مناسب وضعیت کنونی اثرگذاری عوامل سیاسی و امنیتی بر سیاست‌گذاری حوزه سمن‌ها، لازم است به ویژگی‌های جامعه و شرایط مورد انتظار در پایان سال ۱۴۰۴ خورشیدی و نیز سند چشم‌انداز توجه شود تا سیاست‌گذاران با چنین ملاکی نسبت به خط‌مشی‌گذاری مؤثر بردارند. همان‌گونه که ملاحظه شد، در این پژوهش تعداد ۴۰ عامل به عنوان عوامل برتر سیاسی و امنیتی انتخاب شد و در اختیار کارشناسان و خبرگان این حوزه قرار گرفت. در بررسی و مقایسه این ۴۰ عامل با کلیدواژه‌های جامعه مطلوب سند چشم‌انداز، مشابهت‌ها و هم‌پوشانی‌های گسترده‌ای به چشم می‌خورد که ناشی از انتخاب عوامل یادشده از میان اسناد بالادستی و از جمله سند چشم‌انداز است.

بر پایه سند چشم‌انداز در حوزه سیاسی و امنیتی، جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید «الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل مؤثر و سازنده در روابط بین‌الملل باشد» عوامل «وجود الگوی مردم‌سالاری دینی»، «سیاست خارجی مستقل»، «اعتمادسازی بین‌المللی»، «فعالیت مؤثر در سازوکارهای بین‌المللی»، «انگاره‌سازی و الگوسازی الهام‌بخش حکومت دینی»، «سمن‌ها بستر غیردولتی برای اثرگذاری در جریان بیداری اسلامی»، «سمن‌ها مروج رویکرد مردم‌سالاری دینی» از جمله عوامل آزمایش‌شده در این تحقیق هستند که با کلیدواژه‌های سند چشم‌انداز کاملاً منطبق‌اند. این عوامل می‌تواند موجب تقویت ایده دولت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای آن از میان فعالیت سمن‌ها باشد. عوامل «سمن‌ها موجب اعتماد مردم به نهادهای دولتی»، «حامی حاکمیت و نهادهای مهم از جمله نهاد رهبری»، «سمن‌ها تقویت‌کننده وحدت قومی و ملی» نیز با حد نصاب بالاتر از امتیاز ۶ از ۹، نشان داده‌اند که سمن‌ها تا چه اندازه می‌توانند نهادها و پایگاه مادی دولت را تقویت و تحکیم بخشند. از این‌رو زمینه‌سازی برای ایجاد سمن‌ها با کارکردهای ایجابی نظیر «سمن‌ها چارچوب تقویت روحیه ملی و امنیت روانی»، «سمن‌ها معرف نمادها و آئین‌های دینی و ملی (حج، عاشورا، نوروز و...)»، «سمن‌ها وسیله شبکه‌سازی بین‌المللی مدافعان انقلاب اسلامی» باید به‌عنوان تجویز برای تحقق عینی منافع امنیت ملی مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد. برای این منظور تشویق و برانگیختن داوطلبان توانمند و دارای ویژگی‌های فردی و فنی لازم، می‌تواند به تأسیس و

توسعه سمن‌هایی بیانجامد که افزون بر دستیابی به اهداف اساسنامه‌های خود، به تحکیم منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز یاری رسانند. در عین حال، وجود چشمگیر نقاط ضعف در بین عوامل سیاسی و امنیتی، نشان می‌دهد که نخست برای کاهش ضعف‌ها و تهدیدها در سیاست‌گذاری حوزه سمن‌ها باید راهکارهایی اندیشیده شود. عوامل "عدم حضور مؤثر و ملموس سمن‌های ایرانی در عرصه بین‌المللی" و "ضعف سمن‌ها در بهره‌برداری از سازمان‌های بین‌المللی"، به عنوان نقاط ضعف و عواملی نظیر "سوءاستفاده از سمن‌ها برای تهدیدهای نرم (ابعاد نامرئی و پنهان تهاجم)"، "سمن‌ها زمینه‌ساز برخی از انواع قومیت‌گرایی" به عنوان عوامل تهدیدزا، از جمله این موارد هستند. گفتنی است که نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع تهدیدها به نسبت قوت‌ها و فرصت‌ها امتیاز کم‌تری دارند که حاکی از نگاه مثبتی است که پرسش‌شوندگان - که کارشناسان این حوزه هستند - به‌طور کلی نسبت به فعالیت سمن‌ها در کشور داشته‌اند. ایشان بر این باور بوده‌اند که نبود سمن‌های فعال و همسو با منافع امنیت ملی، خود تهدیدی جدی در این حوزه به‌شمار می‌آید.

در متن سند چشم‌انداز، بر «پیوستگی حکومت با مردم» نیز تأکید شده است. برای رسیدن به چنین جامعه پیوسته‌ای، افزون بر مشارکت‌های سنتی، مشارکت ساختاری و سامانمند مردم از لوازم غیرقابل‌اجتناب خواهد بود. از این رو، با توجه به بهره‌مندی سند چشم‌انداز از جوهره تمامی اسناد فرادستی ج.ا.ایران می‌توان چنین برداشت نمود که حضور مردم از ملزومات تأمین منافع امنیت ملی کشور است و سمن‌ها می‌توانند یکی از چارچوب‌های سازمان‌یافته مشارکت مردم برای رسیدن به چنین جامعه مطلوبی تلقی شوند.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- احمدی، حمید و فاضلی حبیب‌الله (۱۳۸۶). ناسیونالیسم، مشکله هویت و دولت ملی در تئوری اجتماعی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴.
- ۳- اسملسر، نیل (۱۳۸۰)، تئوری رفتار جمعی، ترجمه رضا دژاکام، تهران، مؤسسه یافته‌های نوین.
- ۴- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- آلموند، گابریل و دیگران (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۶- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، درس‌های دموکراسی برای همه، تهران، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- ۷- _____ (۱۳۸۲)، عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاست، تهران، نگاه معاصر.

- ۸- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- بیتنام، دیوید و بویل، کوین (۱۳۷۶)، *دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)*، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران: ققنوس.
- ۱۰- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- ۱۱- حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۶۸)، *مجموعه قوانین اساسی و مدنی*، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۲- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۷۹)، *همایش بررسی نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۳- ره پیک، سیامک (۱۳۷۸)، *قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۴- زعفرانی و حقانی (۲۰۰۵)، *اتحادیه بین‌المللی، مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح، نظارت پارلمانی بر دستگاه امنیتی: اصول، مکانیسم‌ها و روش‌ها*، ژنو- تهران.
- ۱۵- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۱)، *موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۶- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)، *سازمان‌های غیردولتی، ما و نظام سرمایه داری*، مجله حواء، شماره ۶.
- ۱۷- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵)، *مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۸۴*، جلد دوم، تهران، قوه قضائیه، روزنامه رسمی ج.ا.ایران.
- ۱۸- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی (NGOs) ۱۳۸۳*، تهران، مرکز آمار ایران، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.
- ۱۹- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (آبان ماه ۱۳۸۴)، *تشکل‌ها و نهادهای غیردولتی مذهبی در ایران (جایگاه و میدان عمل)*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۷۵۴۲.
- ۲۰- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (بهمن ماه ۱۳۸۷)، *سازمان‌های غیردولتی جوانان، چالش‌ها و راهکارها*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۹۴۷۲.
- ۲۱- مصلحتی کوچصفهانی، حسین (۱۳۷۶)، *توسعه و امنیت عمومی*، جلد ۲، تهران، وزارت کشور.
- ۲۲- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *مجموعه آثار*، ج ۳، تهران، انتشارات صدرا.
- ۲۳- مک‌لین، ایان (۱۳۸۱)، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی، تهران میزان.

ب. خارجی:

- 24- Friedrich, C.J. (1953), *The Philosophy of Hegel*, New York: Random house.
- 25- Keane, J. (1988), *Civil Society and the State: New European perspectives*, London: verso.
- 26- Le Bon, Gustave (1905), *Psychologie des foules*, 9e édition, Paris : Édition Félix Aclan
- 27- www.communshoura.com
- 28- www.iranculture.org
- 29- www.iransecular.org
- 30- www.persianacademy.ir